



مرکز تحقیقات اسلامی

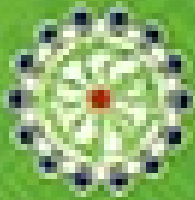
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مجمع شورای اهل بیت علیه السلام



مکتب

در مکتب اهل بیت

جلد ۸

تقیه در اسلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقیه

نویسنده:

عبدالکریم بهبهانی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تقیه
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۵	سخن مجمع
۱۸	مقدمه
۲۷	تقیه در شریعت اسلام
۳۱	تقیه از منظر عامه
۳۴	تقیه از منظر امامیه
۳۵	چرا فقط شیعه به تقیه مشهور شده است؟! -
۳۹	انواع تقیه
۳۹	اشاره
۳۹	الف: بر حسب کسی که از او تقیه می شود:
۳۹	ب: بر حسب عمل:
۳۹	ج: بر حسب احکام:
۴۰	۱- تقیه از کافر
۴۰	۲- تقیه از مسلمان
۴۲	۳- تقیه در عبادت
۴۳	۴- تقیه در فتوا
۴۵	۵- تقیه در سیاست
۴۶	نتیجه بحث
۴۷	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: بهبهانی، عبدالکریم

عنوان قرارداد: التقیه . فارسی

عنوان و نام پدید آور: تقیه [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی؛ ترجمه محمد امینی؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۴۰ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۸.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۸-۰.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: تقیه

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: امینی، محمد، مترجم

شناسه افزوده: نصیری، امرالله، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: BP۲۲۶/۵ ب ۸۵ ت ۴۱ ۱۳۹۳۷۰۴۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۸۰۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی

ترجمه محمد امینی

تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)]

ویراستاری امرا... نصیری

ص: ۴

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)]... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیه السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را

برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبتیان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و

ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلّم و همیشگی دین مقدّس اسلام نیز بوده و هست و تحقّق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۲

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۳

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابراین بر مؤلّان و رهبران اُمّت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتّفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلمه توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزای توحیدی مولی الموحّدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۴

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا أَلْمَذَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۵

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶ / ۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، سابط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (1) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۶

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۸

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی (رحمه الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۱۹

«تقیه» یکی از مسائلی است که قرآن کریم آن را مطرح و به جواز آن تصریح نموده است؛ چنان که در سوره آل عمران می فرماید:

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ وَيَحِذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ. (۱)

«افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خداوند گسسته می شود) مگر این که از آنان بپرهیزد (و به سبب هدفهای مهمتری تقیه کند). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می دارد؛ و بازگشت (شما) به سوی خداست.»

آیه یاد شده، «تقیه» و حد و مرز آن را مشخص کرده و ایمان را دارای سه رکن دانسته است: اعتقاد قلبی، اظهار زبانی و عمل با اعضا و جوارح، اینها اقتضای طبیعی ایمان است.

اسلام، از آن جا که یک دین عملی است، واقعگرا می باشد و همه مشکلات را بر طرف می کند، پس طبیعی است که چگونگی بر

ص: ۲۱

خورد با مسائل جدید را در هر حال برای مکلفین روشن سازد؛ مثلاً اگر انسان مخیر شد بین مرگ، یا شکنجه طاق فرسا و بین دست کشیدن از برخی لوازم، یا مظاهر ایمان، وظیفه او چیست؟

آیه فوق می فرماید: در هیچ حالی نمی توان از «اعتقاد قلبی» دست کشید؛ زیرا پایه و ریشه ایمان است، اما در مورد رکن دوم و سوم، گفتنی است که اگر نجات از مرگ، یا شکنجه طاق فرسا بستگی به این دارد که در ظاهر و به طور موقت، از اظهار و عمل به اسلام دست برداشت، آیه شریفه اجازه آن را برای مؤمنان صادر کرده است البته با این کار، اصل دین هم از بین نمی رود.

قرآن کریم در آیه ای دیگر، بر این معنا تأکید نموده و فرموده است:

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ * مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱).

«تنها کسانی دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند؛ (آری) دروغگویان واقعی آنان هستند. کسانی که بعد از ایمان، کافر شوند، به جز آنان که تحت فشار واقع شده اند، در حالی که قلبشان آرام با ایمان است، آری، آنان که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده اند، غضب خدا بر آنان و عذاب عظیمی در انتظار شان است».

ص: ۲۲

نزول این دو آیه، زمانی بود که مشرکان، عمار بن یاسر را مجبور کرده بودند تا پیامبر (صلی الله علیه و آله) را دشنام دهد و از بتها به نیکی یاد کند. عمار نیز از ترس شکنجه های طاقت فرسای آنان، چنین کرد. وقتی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد، حضرت به او فرمود: ((چه شده است؟))

عرض کرد: «(کار) بدی انجام دادم ای رسول خدا! آنان رهایم نکردند تا به شما ناسزا گفتم و بتهای آنان را به نیکی یاد کردم!».

پیامبر فرمود: در قلب تو چه گذشت؟

عرض کرد: «نسبت به ایمان، مطمئن است».

حضرت فرمود: «اگر دوباره تو را مجبور کردند، همان سخنان را تکرار کن».^(۱)

این عمل، آن نفاقی نیست که قرآن کریم آن را محکوم کرده و بدتر از کفر شمرده است؛ زیرا «نفاق»، پنهان کردن کفر و کینه و اظهار کردن ایمان و دوستی است، در حالی که «تقیه» پنهان کردن ایمان و آشکار نمودن کفر و شرک است. اگر تقیه از جمله مصادیق نفاق باشد، چرا خداوند سبحان در دو آیه قرآن، آن را مباح شمرده است؟

ص: ۲۳

۱- (۱) - مستدرک، حاکم: ۲۰، ۳۵۷. و نیز ر. ک: سنن ابن ماجه: ۱۵۰/۱، باب ۱۱؛ تفسیر ماوردی: ۱۹۲/۳ (چاپ بیروت) و منابع دیگری مثل: المبسوط سرخسی؛ الکشاف زمخشری؛ احکام القرآن ابن عربی؛ تفسیر کبیر فخر رازی: ۱۲۱/۲۰؛ المغنی ابن قدامه؛ الجامع قرطبی؛ انوار التنزیل بیضاوی و...

همچنین تقیّه با تسلیم شدن و سازش در مسائل دینی، فرق دارد. «تسلیم شدن و سازش»، پذیرفتن طرف مقابل و دست کشیدن از اعتقادات است، در حالی که «تقیّه» عبارت است از: نگه داری دین به وسیله آشکار نکردن موقّتی ایمان و اظهار خواسته های دشمن، تا موقعی که دوره ضعف به پایان برسد و فرصتی برای تجدید نیرو پیدا شود.

پس «تقیّه» یک تدبیر عقلایی برای پیشگیری است و مؤمن را به تسلیم و سازش نمی کشاند بلکه به جای آن، عناصر پایداری روحی و معنوی را بسیج می کند تا در مقابل فشارهای سهمگین دشمنان، متلاشی و نابود نشود و ایمان خود را در بالاترین درجه آن، حفظ کند.

تقیّه کننده به آینده می نگرد و منتظر فرا رسیدن زمان مناسب برای تغییر اوضاع است، در حالی که «تسلیم و سازش»، هیچ یک از ویژگیهای تقیّه را دارا نیست.

به تعبیر دیگر، تقیّه بر تسلیم، یاس، نومیدی و سازش - که دشمن می خواهد آنها را بر مؤمن تحمیل کند - خط بطلان می کشد. (۱)

علمای اسلام، برای مشروعیت تقیّه به دو آیه یاد شده استدلال کرده اند.

مراغی در تفسیر خود، مصادیق تقیّه را این چنین بر شمرده است:

ص: ۲۴

۱- (۱) - با مراجعه به تفسیر دو آیه فوق در تفاسیر اهل سنت، این امر روشن خواهد شد. ر. ک: تفسیر فخر رازی؛ تفسیر زمخشری؛ تفسیر خازن؛ تفسیر نسفی؛ تفسیر اسماعیل حقی؛ تفسیر طبری؛ تفسیر آلوسی؛ تفسیر محاسن التأویل جمال الدین قاسمی و تفسیر مراغی.

«مدارا با کفّار، ظالمان و فاسقان و سخن گفتن به آرامی با آنان و لبخند زدن بر روی آنان، و بخشش مال به آنان برای جلوگیری از اذیت آنان و حفظ ناموس از آنان».

طبرانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است:

«آنچه مؤمن، ناموسش را با آن حفظ کند، صدقه است».^(۱)

تقیّه از منظر عامّه

بسیاری از علمای عامّه در کتابهایشان از صحابه و بزرگان دیگر، مطالبی را نقل کرده اند که دلالت بر «مشروعیت تقیّه» از نظر اسلام دارد و در این جا به برخی از آنها اشاره می شود:

- تقیّه عمّار بن یاسر ^(۲).

- تقیّه عبد الله بن مسعود ^(۳).

- تقیّه ابی دردا و ابی موسی اشعری ^(۴).

- تقیّه ابی هریره ^(۵).

- تقیّه ابن عباس از معاویه ^(۶).

- تقیّه سعید بن جبیر ^(۷).

ص: ۲۵

۱- (۱) - تفسیر مراغی: ۳/ ۱۳۶، چاپ مصر.

۲- (۲) - تفاسیر، سیره ها.

۳- (۳) - المحلّی ۳۳۶/۸، مسأله ۱۴۰۹، چاپ آفاق - بیروت.

۴- (۴) - صحیح بخاری: ۳۷/۸، کتاب الادب، باب المداراه مع الناس.

۵- (۵) - صحیح بخاری: ۴۱/۱، کتاب العلم، باب حفظ العلم.

۶- (۶) - شرح معانی الآثار، طحاوی: ۳۸۹/۱، باب الوتر.

۷- (۷) - کتاب الاموال، ابی عیینه: ۵۶۷.

- تقيّه رجاء بن حيوه (۱).

- تقيّه واصل بن عطاء (۲).

- تقيّه عمرو بن عبید معتزلی (۳).

- تقيّه ابو حنیفه (۴). گفتمی است که علامه قاسمی از یمانی نقل کرده است:

«... یکی از آن دو، ترس عرفا از علمای فاسق، پادشاهان ظالم و شیاطین انس است، زیرا در این موقع، به دلیل تصریح قرآن کریم و اجماع مسلمانان، تقيّه جایز است...» (۵).

تقيّه، در همه نحلّه ها و در عرصه های مختلف، وجود داشته است. برخی از جوانب تقيّه، از نظر عامّه عبارت است از:

فتوای فقهای عامّه در مورد جواز تقيّه در عقیده. (۶)

فتوای فقهای عامّه در مورد جواز تقيّه در آداب. (۷)

فتوای فقهای اهل سنت، در مورد جواز تقيّه در عبادت. (۸)

ص: ۲۶

۱- (۱) - الجامع لاحکام القرآن، قرطبی ۱۰/۱۲۴.

۲- (۲) - الاذکیاء، ابن جوزی: ۱۳۶.

۳- (۳) - تاریخ بغداد: ۱۲/۱۶۸ (شرح حال عمرو بن عبید).

۴- (۴) - تاریخ بغداد: ۱۳/۳۷۹ (شرح حال ابو حنیفه).

۵- (۵) - محاسن التاویل: ۴/۸۲، چاپ دار الفکر.

۶- (۶) - الجامع لأحكام القرآن، قرطبی: ۱۰/۱۸۰؛ احکام القرآن، ابن عربی مالکی؛ المبسوط، سرخسی حنفی؛ بدایع الصنائع، کاشانی حنفی؛ المغنی، ابن قدامه.

۷- (۷) - تفسیر مراغی: ۳/۱۳۷ - ۱۳۶

۸- (۸) - مبسوط، سرخسی: ۲۴/۴۸؛ اشباه و نظائر: ۲۰۷.

فتوای فقهای اهل سنت، در مورد جواز تقیه در معاملات (۱).

برخی از محققان معاصر هم نوشته اند:

«آخرین سخن در مورد تقیه در فقه مذاهب اربعه این است که: فقهای عامه، تقیه را در مسائل زیادی جایز می دانند؛ مثل جواز تقیه در صدقه، اقرار، ازدواج، اجاره، مبارات، کفالت، شفعه، عهد و پیمان، تدبیر، رجوع بعد از طلاق،ظهار، نذر، ایلاء، سرقت و فروع شرعی دیگر». (۲)

موسی جار الله ترکمانی، گسترده تر از این معنا را صریحاً بیان داشته و گفته است:

«تقیه عبارت است از نگهداری جان از ناملايمات و كيفرها. تقیه به این معنا در هر چیزی، از نظر دین جایز است».

و نیز می گوید:

«تقیه در راه حفظ زندگی، آبرو، حفظ مال و حمایت از آن، بر همه افراد واجب است؛ چه پیشوا باشد، یا غیر پیشوا» (۳).

ص: ۲۷

۱- (۱) - البحر المحيط، ابی حیان مالکی: ۲/۲۲۴؛ بدایع الصنایع: ۷/۱۷۵؛ مجمع الانهر، افندی حنفی: ۲/۴۳۱، چاپ التراث العربی - بیروت.

۲- (۲) - ر.ک: التقیه، مرکز الرساله: ۱۶۴.

۳- (۳) - التقیه، مرکز الرساله؛ بدایع الصنایع: ۷/۱۷۵؛ المحلی: ۳۳۱/۸، مسألة ۱۴۰۶؛ الشنیعه فی نقد عقاید الشیعه: ۷۲.

علمای امامیه در مورد «جواز تقیه» و حتی وجوب آن در بعضی اوقات، علاوه بر دو آیه یاد شده به روایات زیادی استناد جسته اند که به حدّ استفاضه می رسد به گونه ای که در کتاب وسائل الشیعه، باب ویژه ای به تقیه اختصاص داده شده است و در این جا به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- ابن ابی یعفور، از امام صادق(علیه السلام) روایت کرده است: «تقیّه، سپر و نگهدارنده مؤمن است». (۱)

۲- امام صادق(علیه السلام) به مفضل فرمود:

«اگر تقیه کنی، دشمنان نمی توانند به تو آسیبی برسانند؛ تقیه، دیواری است مستحکم بین تو و دشمنان خدا و سدی است که نمی توانند در آن نفوذ کنند». (۲)

۳- امام علی(علیه السلام) فرمود:

«تقیّه از برترین اعمال مؤمن است تا جان خود و برادرانش را به وسیله آن، از ستمکاران حفظ کند». (۳)

۴- امام باقر(علیه السلام) فرمود:

ص: ۲۸

۱- (۱) - اصول کافی: ۲/ ۲۲۱ (باب تقیه).

۲- (۲) - وسائل الشیعه: ۱۶/ ۲۱۳/ باب ۲۴.

۳- (۳) - تفسیر منسوب به امام حسن عسکری*: ۳۲۰.

«تقیّه، دین من و دین پدران من است».^(۱)

۵- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«بر دینتان بترسید و آن را با تقیّه بپوشانید».^(۲)

چرا فقط شیعه به تقیّه مشهور شده است؟!

علّت این که «مذهب شیعه» از مذاهب دیگر، به تقیّه مشهورتر شده این است که: روایات بسیاری از ائمّه اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده و همین امر باعث گشته است تا شیعه از دیگر مسلمانان به تقیّه مشهورتر باشد. همچنین دشمنی برخی از فرقه ها باعث شد که آن را وسیله ای برای مسخره کردن پیروان اهل بیت (علیهم السلام) قرار دهند!

گویا آنان فراموش کرده اند که «تقیّه»، از دستورات قرآن و از ضروریات دین است که همه مسلمانان بر آن اتفاق نظر داشته اند. و اگر در فروع آن، اختلافی وجود داشته باشد، مسأله جدیدی نیست؛ زیرا مسلمانان در فروع مسائل شرعی، باهم اختلاف دارند، ولی در اصول، باهم اتفاق نظر دارند.

چرا عدّه ای، وقتی به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) می رسند، نظرات مخالف آنان با مکاتب فقهی دیگر را دستاویزی برای تمسخر و هتّاکی خود قرار می دهند؟!

ص: ۲۹

۱- (۱) - اصول کافی: ۲/۲۱۹ (باب تقیّه).

۲- (۲) - اصول کافی: ۲/۲۱۹ (باب تقیّه).

علمای عامّه توجّه نداشته اند که از جمله اهداف «تقیّه» حمایت از وحدت اسلامی و جلوگیری از تفرقه مسلمانان است، در این صورت، شایسته نیست که مذهب شیعه به «بدعت» و «نفاق» متّهم شود.

دورانهای سخت زندگی اهل بیت (علیهم السلام) در زمان حکومت امویان و عباسیان باعث شده بود که شیعیان علی (علیه السلام) مذهب خود را - حتّی از همسرانشان - مخفی نگه دارند؛ زیرا در آن زمان، متّهم بودن به تشیّع، سخت ترین کیفر را داشت و حتّی پسر از دست پدرش به قاضی شکایت می کرد که چرا پدرش او را «علی» نامیده است؟!

مورّخان نقل کرده اند:

«روزی معاویه بن ابی سفیان به کارگزارانش نوشت: هر کس که حدیثی در مورد فضایل ابو تراب علی (علیه السلام) و خاندانش روایت کند، خونش حلال است، پس از آن، خطبا بر هر منبری، علی (علیه السلام) را لعن می کردند و از او براءت می جستند. مردم کوفه به خاطر وجود شیعیان فراوان امام علی (علیه السلام) زیر فشار سخت ترین شکنجه ها بودند. امویان، زیاد بن سمیه را به عنوان حاکم کوفه گماشتند و بصره را به آن ملحق نمودند. زیاد شیعیان کوفه و بصره را می شناخت و آنان را در زیر هر سنگ و کلوخی که بودند، پیدا کرد و به شهادت رساند و یا از عراق متواری و بی خانمان کرد. از این رو شخصیت مشهوری از آنان باقی نماند.

ص: ۳۰

معاویه به کلّیه کارگزاران خود نوشت که: هیچ یک از شیعیان علی (علیه السلام) و خاندان او، حقّ اقامه شهادت و گواهی ندارند!!

و در نامه دیگری نیز نوشت: اگر دیدید که بینه قائم شد بر این که کسی علی و خاندانش را دوست دارد، نام او را از دفتر بیت المال حذف کنید و سهم او را قطع نمایید!!

او در نامه دیگری می نویسد: هر که را شیعه علی (علیه السلام) و خاندانش دانستید، بر او سخت بگیرید و خانه اش را خراب کنید». (۱)

اینها چیزی است که ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می گوید. و اضافه بر آن می نویسد:

«امور این چنین بود تا آن که حسن بن علی به شهادت رسید. در نتیجه گرفتاری شیعیان افزوده شد. از این گروه کسی باقی نماند؛ جز این که بر خون خود می ترسید، لذا در بیابانها متواری بودند. پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) اوضاع و خیم تر شد. عبد الملک بن مروان، حکومت را به دست گرفت (و عرصه را) بر شیعیان تنگ کرد و حجاج بن یوسف ثقفی را بر آنان مسلط ساخت. عده ای با بغض علی (علیه السلام) به حجاج تقرب می جستند!

نقل می کنند که: شخصی مقابل حجاج ایستاد و فریاد زد: ای امیر! خانواده ام عاقم کرده و مرا علی نامیده اند!! من فقیر و بیچاره هستم،

ص: ۳۱

من محتاج هدیۀ امیر می باشم. حجّاج خندید و گفت: به پاداش آنچه به آن توّسل پیدا کردی، تو را بر ولایت فلان جا می گمارم!» (۱)

بلایی که در زمان عبّاسیان بر سر شیعه آمد، کمتر از دوران امویان نبود.

«ابن سکّیت» یکی از بزرگان ادبیات در زمان متوکل است. خلیفه او را به عنوان معلّم فرزندانش برگزید. روزی از او پرسید: «آیا این دو فرزند من نزد تو دوست داشتنی ترند، یا حسن و حسین؟»

ابن سکّیت گفت: «به خدا سوگند! قنبر، خادم علی (علیه السلام) از تو و پسران تو بهتر است».

متوکل فریاد زد: «زبانش را از پشت سر ببرید» (۲).

گروه بی شماری از شیعیان در قرنهای گذشته با این همه ظلم و استضعاف، رو به رو بوده اند، پس طبیعی است که از بین تسلیم شدن در مقابل دشمن و بین ریشه کن شدن و نابودی، راه میانه ای را برگزینند تا از جهتی، ظلم و کجروی را از خود دور سازند و از جهت دیگر، در معرض از بین رفتن، و نابودی و ریشه کنی قرار نگیرند و این، همان «تقیّه» است.

این که ابن تیمیّه گفته است:

ص: ۳۲

۱- (۱) - شرح نهج البلاغه: ۱۱ / ۴۶ - ۴۴.

۲- (۲) - وفیات الاعیان، ابن خلکان: ۴۰۰/۶، شماره ۸۲۷.

«تقیّه همان دروغ و نفاق است» (۱)، مطلبی بی دلیل است که عقل آن را نمی پذیرد و کتاب و سنت آن را تأیید نمی کنند.

انواع تقیه

اشاره

می توان تقیه را بر اساس ضوابط مختلف، به شکل زیر تقسیم بندی کرد:

الف: بر حسب کسی که از او تقیه می شود:

۱- تقیه از کافر.

۲- تقیه از مسلمان.

ب: بر حسب عمل:

۱- تقیه در عبادت.

۲- تقیه در فتوا.

۳- تقیه در سیاست.

ج: بر حسب احکام:

۱- تقیه جایز. ۲- تقیه واجب. ۳. تقیه حرام.

ص: ۳۳

۱- تقیه از کافر

همه مسلمانان این قسم از تقیه را قبول دارند. همان گونه که گذشت، قرآن کریم در دو آیه به این نوع از تقیه اشاره فرموده است.

۲- تقیه از مسلمان

در مورد جواز، یا عدم جواز این نوع از تقیه، در میان علمای مسلمین، اختلاف وجود دارد؛ قایلان به عدم جواز، استدلال می کنند که قرآن کریم تنها در مورد تقیه مسلمان از مشرک، تصریح کرده و به قسم دیگر، اشاره ای ندارد، ولی علمای امامیه، قایل به جواز این نوع از تقیه بوده و همان دو آیه یاد شده را دلیل آورده اند. در باره نحوه استدلال به این دلیل، گفتنی است که: از نظر علمای علم اصول، خصوصیت مورد، موجب تخصیص نمی شود. از نظر علمای علم تفسیر نیز به عمومیت لفظ استدلال می شود، نه به خصوصیت سبب.

در توضیح این مطلب باید پرسید: آیا قرآن کریم در تقیه جایز،

حال مسلمان را در نظر گرفته، یا حال مشرک؟ اگر حال مسلمان را در نظر گرفته پس تقیه برای حفظ جان مسلمان است؛ بنابراین این، تقیه در مقابل هر ظالمی جایز است، اگر چه آن ظالم، مسلمان باشد.

ظاهر قرآن کریم، معنای اول را می رساند؛ یعنی تقیه برای حفظ جان مسلمان در برابر خطر و نگهداری او از دشمن است و این علت،

در تقیّه مسلمان از مسلمان هم وجود دارد؛ همچنان که در تقیّه مسلمان از مشرک هم وجود دارد.

یکی از دانشمندان اهل سنت به این مطلب اشاره کرده و نوشته است:

«حکم چهارم: آیه دلالت دارد بر این که تقیه در برابر کفّاری که غالب هستند، حلال می باشد، ولی مذهب شافعی معتقد است که اگر حالت بین مسلمانان، همان حالت بین مسلمانان و مشرکان باشد، برای حفظ جان، تقیه حلال می شود».^(۱)

علاوه بر این، تقیه یک روش عقلایی همگانی است و معنا ندارد که آن را مختص به یک ظالم بدانیم. چه بسا علت اختلاف بر سر تقیه مسلمانان از مسلمان دیگر، یک مسأله عاطفی باشد؛ یعنی وقتی که مکتب خلفا قایل به شرعی بودن حکومت اموی و عباسی اند و اطاعت از امیر - چه امیر خوب و چه امیر گنهگار را - واجب می دانند؛ پس طبیعی است که فعالیت‌های مخالفان این دو حکومت را، فعالیت‌های غیر شرعی بدانند و تقیه را هم - که شیعیان در راستای مخالفت با آنان بدان عمل کرده اند - یک روش غیر شرعی معرفی کنند. در این صورت، بحث از موضوع تقیه و ادله و اقسام آن، خارج می شود و به یک بحث اساسی، در مورد مشروع بودن حکومت، تبدیل می گردد

ص: ۳۵

۱- (۱) - ر. ک: تفسیر کبیر: ۱/ ۱۲۰ و ۲۰.

که این حکومت، مشروعیت خود را چه زمانی از دست می دهد؟ و یا تکلیف مسلمانان در مقابل انحراف حکومت از خط صحیح اسلامی چیست؟

در غیر این صورت، تقیه یک روش عقلانی است و بسیاری از علمای مکتب خلفا به آن عمل کرده اند.

ابو هریره می گوید:

((دو دسته از معارف را از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) یاد گرفتم که، یکی از آنان را در میان مردم منتشر کردم، و اما اگر دیگری را منتشر می کردم، سرم را برباد می دادم)، (۱) آیا این کار تقیه مسلمان از مسلمان نیست؟!))

۳- تقیه در عبادت

«تقیه در عبادت» به این معناست که برای دفع خطر ظلم، یا برای مدارا کردن با دیگر مذاهب اسلامی، عبادت را به نحوی بجا آورد که مسلمان مخالف - طبق مذهب خود - به آن معتقد است. این شکل از تقیه، از خصوصیات مکتب اهل بیت(علیهم السلام) است و بیشتر عبادتهایی که به صورت تقیه بجا آورده می شوند، به انگیزه ترس از ظلم نیست بلکه تنها برای حفظ وحدت مسلمین است.

ص: ۳۶

۱- (۱) - صحیح البخاری : ۴۱/۱ آخر باب العلم ، کتاب العلم، محاسن التأویل، قاسمی: ۸۲/۴ چاپ مصر.

امام خمینی (رحمه الله) در این مورد می فرماید:

«تقیّه گاهی این است که خطری حوزه اسلام را تهدید می کند، به شکلی که خوف از هم گسستگی وحدت مسلمانان در میان باشد و ترس از این باشد که بر حوزه اسلام - به خاطر پراکندگی شان و یا امور دیگر - ضرری وارد شود، و مراد از تقیّه مدارایی این است که در آن، هم صدا شدن همه مسلمانان، مهم است و وحدت بین آنها هم با ایجاد دوستی بین مخالفان و جلب ارادت آنان، بدون هیچ گونه ترسی (انجام پذیر) است» (۱).

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که به هشام بن حکم فرمود:

«در میان قبیله ها یشان نماز بخوانید، بیمارانشان را عیادت کنید (در تشییع) جنازه شان حاضر باشید.... به خدا (سوگند)! او به چیزی دوست داشتنی تر از خباء عبادت نشده است. گفتم: خباء چیست؟ فرمود: تقیّه» (۲).

۴- تقیّه در فتوا

«تقیّه در فتوا» این است که فقیه بر خلاف آنچه به نظر خودش صحیح است، فتوا دهد. این کار او بر حسب حالات مختلف، صور گوناگونی به خود می گیرد؛ گاهی حرام، گاهی جایز و گاهی واجب می شود.

ص: ۳۷

۱- (۱) - رسائل: ۱۷۴.

۲- (۲) - وسائل الشیعه، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، باب ۲۶، ح ۲.

سید حسن بجنوردی در این مورد می گوید:

«در مثل چنین (حالتی) واجب است که از فتوا دادن - به هر صورت که باشد - فرار نمود و راحت شد. و نیز اگر فتوا دادن موجب از بین رفتن جانها، یا موجب ریختن آبرویی باشد، در اولی جایز نیست که فتوا دهد، اگر چه فتوا موجب هلاکت و قتل (خود) او باشد.

اما اگر از ائمه معصومین (علیهم السلام) در برخی از اوقات، فتوایی بر خلاف حکم واقعی اولی، صادر می شد، طرف را بعد از آن آگاه می ساختند که آنچه در گذشته گفته اند، خلاف واقع بوده است (و این کارشان) یا به سبب حفظ جان خودشان بوده و یا به جهت حفظ جان کسی بوده که برای او فتوا داده بودند. فتوای امام کاظم (علیه السلام) برای علی بن یقظین، در مورد سه بار شستن اعضای وضو، به این مطلب تصریح دارد.

خلاصه این که فتوا دادن بر خلاف ما انزل الله - به خاطر تقیه - امری مشکل است و از حیث فتوا دهنده و قبولی نظریه اش از نظر عموم و عدم قبولی آن، متفاوت می باشد». (۱)

ص: ۳۸

وضعیت این تقیه هم روشن است و بیشتر تقیه‌ها از این قبیل هستند. پس روشن شد که تقیه همیشه جایز نیست و همیشه هم واجب نیست بلکه در برخی از زمانها حرام هم بوده است،

امام خمینی (رحمه الله) در مورد «تقیه حرام» می فرماید:

«از جمله آن (تقیه در مورد) برخی از محرمات و واجباتی است که در نظر شرع و متشرعین نهایت اهمیت را دارا هستند؛ مثل ویرانی کعبه و مشاهد (زیارتگاه‌های) مقدس... رد کردن اسلام و قرآن، تفسیر کردن آن چنان که مذهب را فاسد می نماید و با کفر تطبیق می دهد... از همین قبیل (محرمات) است، زمانی که تقیه کننده از نظر مردم، دارای جایگاه و منزلتی است؛ به شکلی که ارتکاب وی نسبت به برخی از محرمات - از روی تقیه - یا ترک کردن بعضی از واجبات، از موجبات وهن و هتک حرمت مذهب شمرده می شود... از همه اینها مهمتر آن جایی است که اصلی از اصول اسلام، یا مذهب و یا یکی از ضروریات دین، در معرض از بین رفتن و نابودی و تغییر است. (در این صورت) تقیه جایز نیست؛ مثل این که منحرفان سرکش بخواهند احکام ارث، طلاق و... را تغییر دهند» (۱).

ص: ۳۹

«تقیه از نظر وجوب و عدم وجوب و بر حسب محلّهایی که ترس از ضرر در آن جاست، احکامی دارد که در ابواب کتابهای علمای فقه ذکر شده است. تقیه در هر حالی واجب نیست؛ بلکه گاهی جایز می باشد و یا در بعضی از حالات، خلاف آن واجب است؛ مثل این که در (مقام) اظهار حق و آشکار کردن آن، برای یاری دین و خدمت به اسلام و جهاد در راه آن باشد. در چنین وقتی، اموال نادیده گرفته می شوند و جانها ارزش نخواهد داشت».^(۱)

نتیجه بحث

«تقیه» یک نظریه کلی اسلامی است که خدای تعالی، آن را در قرآن کریم تشریح فرموده است. نصوص سنت شریف نبوی نیز بر آن دلالت دارند؛ همچنان که نصوص فراوانی از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) بر آن دلالت دارند و اصحاب و بزرگان، بدان عمل کرده اند و فقها نیز در عرصه های گوناگون در مورد آن فتوا داده اند و آن تا روز قیامت اصلی ماندگار است؛ همچنان که فخر رازی در تفسیرش بدان تصریح نموده و جایی برای انکار آن، باقی نمانده است.

ص: ۴۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

